

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح نامه اول نهج البلاغه

ما باید طبق فرموده امام هادی علیه السلام که فرمود کلامکم نور و امرکم رشد خودمان را در محضر کلام اهلبیت قرار دهیم و هیچ چیز برای ارتباط با اهلبیت بهتر از نهج البلاغه نیست. ما با اینکه ارادت به امیرالمومنین داریم اما آن اهتمام لازم نسبت به نهج البلاغه که یک دور مدیریت حضرت در تعامل با مردم هست را نداریم. اگر خداوند توفیق دهد از بحث نامه های نهج البلاغه شروع میکنیم تا از محضر حضرت استفاده نمائیم.

کلام اهلبیت مثل قرآن نیست اما با کلام بشر متفاوت است. نوع فهم قرآن و روایات بستگی به طهارت انسان دارد و هرچه طهارت انسان بیشتر باشد نوع تعامل او با قرآن و اهلبیت متفاوت میشود اینرا در مورد استخاره هم بزرگان میگویند که وقتی کسی نگاه میکند به قرآن نوع نگاهش بسیار متأثر از طهارت روح شخص است که در قرآن نیز میفرماید لا المپهرون. اولین نامه حضرت طبق تنظیم سید رضی نامه ایشان به مردم کوفه است در زمانی که حضرت از مدینه به سمت کوفه حرکت میکردند و این مسئله که چه زمانی حضرت نامه را نوشتند بسیار اهمیت دارد.

حضرت در این نامه به دنبال افشای نقشه های سران ناکثین هستند.

حضرت می فرمایند من عبدالله علی امیرالمومنین الی اهل الکوفه جبهه الانصار و سنام العرب حضرت نامه را با لفظ عبدالله شروع می کنند یعنی از ابتدا خودشان را به عنوان بنده خدا معرفی کردند. بسیار خوب است که همچین رفتاری در جامعه ما تبدیل به یک فرهنگ بشود اگرچه در فضای رسانه های ضد دینی این واژه ها مورد تمسخر قرار گرفت اما امیدواریم با تغییری که در فضای مدیریتی کشور بوجود آمده است و فرصتی که ایجاد شده است بتوانیم به متون صحیح دینی خودمان برگردیم.

بعد حضرت خطابشان را به مردم کوفه با عنوان جبهه الانصار قرار می دهد که این بیانگر کرامت نفس حضرت است زیرا جبهه الانصار یعنی موضعی که از سایر مواضع بیشتر اهمیت دارد و لفظ و سنام العرب که به معنی سروران عرب است.

در خطبه حضرت زهرا هم میبینیم که در ابتدا ایشان از مهاجر و انصار تعریف میکنند. این بسیار بار روانی مثبتی دارد و در قرآن هم میبینیم انبیا و اولیاء ابتدا مردم را بسیار تحویل میگرفتند و این باید بین مسئولین ما هم نهادینه بشود که هیچگاه با مردم از بالا به پایین صحبت نکنند. حضرت امام میفرمودند: که پابرهنگان ولی نعمتان ما هستند.

ما میبینیم که در انتخابات این دوره هم این اتفاق افتاد و در جاهایی مثل خراسان جنوبی مشارکت نزدیک به ۷۰ درصد بوده در حالی که مردم تهران که بیشترین انتفاع را از حکومت می برند، مشارکت آنان زیر ۳۰ درصد بوده است.

اما بعد فانی اخبارکم عن امر عثمان حتی یكون سمعه کعبانه منظور حضرت از اما بعد همان در ادامه هست که در سایر نامه ها هم زیاد به چشم می خورد. حضرت در ادامه میفرمایند: من شما را به کار عثمان به گونه ای که شنیدنش مانند دیدن آن باشد آگاه میسازم. در نامه ۳۱ هم همانند این عبارت را به امام حسن دارند که آنجا میفرمایند با اینکه من با گذشتگان نبوده ام اما آثار و اوصافشان را به گونه ای برای شما تعریف میکنم، انگار که دیده ام. این موضوع، بخاطر علم حضرت و هم حضور ایشان از زمان حضرت آدم بوده است که ما داریم که خلقت نور اهل بیت قبل از زمان حضرت آدم بوده است و حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر اولین شخص تاریخ امکان هستند و حضرت به خاطر توسعه روحی که داشتند در همه زمان ها حاضر بوده اند.

علت اینکه به این مباحث خیلی پرداخته نشده است این بوده که عده ای برای ایشان قائل به الوهیت نشوند که این عده ای دچار این اشتباه شدند ولی خودشان فرمودند که به ما خدا نگوئید غیر از خدا هر چه خواستید بگوئید یا در زیارت رجبیه هست که همه چیز دست شما اهل بیت است یا در زیارت جامعه کبیره آمده که بکم فتح الله یعنی مجرای رفع و فتق امور به دست اهل بیت هست حضرت امیر هم مقام و منزلتش را عرض کردم که گفتند به غیر از ایشان به شخص دیگری نمیتوان گفت امیرالمومنین.

ان الناس طعنوا علیه مردم بر عثمان خرده گرفتند فکنت رجلا من المهاجرین اکثر استعابه و من یکی از مهاجران بودم که بیشتر از او به دنبال این بودم که رضایت مردم را برایش جلب نمایم.

خب اگر بخواهیم این مسئله را با زمان خودمان تطبیق دهیم من میدیدم آقای جلیلی در بسیاری از موارد به صورت مستقیم به آقای روحانی مشورت میدادند حتی در بعضی از مناظرات میگفتند اینجا این کار خوب را دولت انجام داد. این جا هم حضرت امیرالمومنین میفرماید من به دنبال این بودم که عثمان رضایت مردم را به دست بیاورد.

یکی از مشکلات در کشور ما این هست که وقتی خودمان نیستیم دیگر تفاوتی ندارد چه کسی باشد. اینکه کسی بگوید حالا که من نیستم اصلا نظام و اینها هیچ اهمیتی ندارد این مایه تاسف است و از طرف دیگر خطاری هست برای ما.

اما مثلا جالب هست که آدم میبیند در آمریکا یک خانم که لباس درستی ندارد و شاید اعتقاداتش هم مثل ما نباشد ایران برایش مهم است. یک خانمی بود من فیلم او را دیدم که ضد انقلاب با فحش و توهین به او میگفتند برای چه میخواهی رای بدهی؟ میگفت به خاطر اینکه آقای خامنه ای گفته است رای بدهید. بعد آدم میبیند خداوند چه نگاهی به آنها دارد.

واقعا اینکه اگر انسان روی خودش کار نکند در فرمایشات یکی از معصومین هم هست خدا امتحان های انسان را از جایی که ضعف دارد میگیرد یعنی اگر حب دنیا دارد خدا بواسطه دنیا او را آزمایش میکند اگر کسی حب جاه و مقام دارد دقیقا خداوند بوسیله همان جاه و مقام او را زمین می زند.

و یک نکته دیگر اینکه بعضی از معاصی و گناهان به نظر من غیر قابل جبران است. در امور شخصی مثلا شخصی نماز نخوانده روزه نگرفته خب بعدا میرود و قضایش را بجا می آورد یا در حق الناس میگویند بعدا برو پرداخت کن اگر هم خودش نیست به ورثه او برسان تا بخشیده شوی اما اگر گناهان اجتماعی اتفاق بیوفتند توبه از آن امکان ندارد مثلا ایجاد بدبینی نسبت به نظام و ایجاد آراء باطله که توسط برخی از میثولین سابق رقم خورد.

حضرت امیرالمومنین میفرمایند من به دنبال جلب رضایت مردم برای عثمان بودم اگر ما صد سال کار بکنیم شاید به یک همچین مدیران اسلامی برسیم که به دنبال جلب رضایت برای حکومت باشند.

در ادامه امیرالمومنین میفرمایند: و اقل استعابه یعنی کمتر از بقیه او را سرزنش می کردم. ما هرچقدر به امیرالمومنین بیشتر نزدیک شویم بیشتر بهره میبریم، اگر انسان بخواهد به جامعه ای که مقدمه ساز ظهور حضرت است بهره ای برساند هرچقدر به امیرالمومنین نزدیک تر باشد خداوند نقش مهم تری به او می دهد.